

# پژوهش‌ها در معماری اسلامی ۲۸

شماره شایا: X - ۹۸۰ - ۳۳۸۷

فصلنامه علمی

قطب علمی معماری اسلامی

سال هشتم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۹

تحلیلی میان‌رشته‌ای بر تعارضات معماری مسکن آپارتمانی با سبک زندگی اسلامی با  
استناد به آموزه‌های نقلی اسلام

محمدمنان رئیسی

تجلی مفهوم آب از باغ بهشتی قرآن در باغ ایرانی

آریتا بلالی اسکویی / فرناز نظرزاده عنصرودی / ائلناز نظرزاده عنصرودی

بازشناسی نقش ایده و کانسپت در فرآیند شناخت و آفرینش در معماری با تکیه بر علل  
اربعه

نسیم اشرافی / غزال صفدریان

پیشنهاد راهکارهایی برای اثربخشی «آموزه‌های اسلامی بر دروس رشته معماری» نمونه  
موردی: دروس مقدمات طراحی معماری بر اساس چهار رویکرد مصوب شورای تحول  
شورای عالی انقلاب فرهنگی (اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، کارآمدی و روزآمدی)

سلمان نقره‌کار / صدیقه معین‌مهر

سنجش و تحلیل فضایی هویت شهری در مقیاس نواحی شهر جدید هشتگرد

احمد خلیلی / مصطفی دهقانی

بازنگری در نسبت رفتار اجتماعی و فضای شهری در تعلیمات اسلامی مفهوم مخاطب  
ایده‌آل طراحی شهری و قلمرو وی در خلال متون اصیل سنت اسلامی

مسعود ناری‌قمی

ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی در تدوین مستندات توسعه کشور با تأکید بر سند  
آمایش سرزمین (آمایش بنیادین)

علیرضا عندلیب / اکبر کاظم‌زاده



# شماره شایا: X - ۹۱۰ - ۳۳۸۷

## ۲۸

### پژوهش‌های معماری اسلامی

فصلنامه علمی  
قطب علمی معماری اسلامی  
سال هشتم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۹

**مدیر مسئول:** معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

**سرمدبیر:** دکتر محسن فیضی

**مدیر داخلی:** دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

**ویراستار ادبی فارسی:** سارا متولی

**کارشناس مجله:** امیرحسین یوسفی - زهراکاشانی دوست - فاطمه زارع

**ویراستار انگلیسی:** محمد رضا عطایی همدانی

### لیست داوران این شماره:

- دکتر علی اسدپور (استادیار دانشگاه هنر شیراز)
- دکتر سمانه تقدیر (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
- دکتر مهدی خاکزند (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
- دکتر محمد صالح شکوهی بیدهندی (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
- دکتر مینو قره بگلو (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
- مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
- مهندس مهدی سعیدی (مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران)

### هیأت تحریریه:

- دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران
- دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران
- دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران
- دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
- مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**طراح جلد و صفحه آرا:** امیرحسین یوسفی

**قیمت:** ۵۰۰۰۰ ریال

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۱۸ / ۳ مورخ ۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

**نشانی دفتر مجله:** دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

**نشانی رایانه:** [jria@iust.ac.ir](mailto:jria@iust.ac.ir) / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)



## ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی در تدوین مستندات توسعه کشور با تأکید بر سند آمایش سرزمین (آمایش بنیادین)



علیرضا عندلیب \*

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده‌ی مسئول)

اکبر کاظم‌زاده

کارشناس عالی تولید اسناد راهبردی

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۵/۱۸

### چکیده:

سرزمین ما ایران اسلامی که مادر همه تاریخ، سنت و فرهنگ ماست و همواره در پیچ و خم‌های تاریخی سرفراز و استوار باقی مانده است؛ مدت مدیدی است که در وضعیت مطلوبی بسر نمی‌برد. در چنین وضعیتی، ضرورت دارد همه کسانی که به نوعی از این سرزمین برخاسته و هویت خویش را از آن دارند؛ متعهدانه و دلسوزانه به خروج از این وضعیت و دستیابی به موقعیت مطلوب، اهتمام ورزند؛ و مسیر آن را در جهت سعادت آیندگان و فرزندان این مرز و بوم که همانا تحقق تمدن نوین اسلامی است هدایت نمایند. از همین رو، تدوین مستندات توسعه کشور و به‌ویژه تدوین سند آمایش سرزمین که با توجه به دامنه شمول و اثر بخشی آن، زیربنایی‌ترین سند توسعه و انسجام‌بخش‌ترین آنها جهت کلیه اسناد برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور به‌شمار می‌رود؛ ضرورتی تام در طی فرآیند فوق خواهد داشت؛ و به‌عنوان سندی جامع، می‌تواند میثاق تمامی دست‌اندرکاران کشور بوده تا با رویکردی فراگیر و یکپارچه، سیمایی مطلوب از طرح‌ریزی سازمان فضایی و بهینه توسعه کشور ارائه دهد. به همین منظور این مقاله در پی آن است تا مدخلی برای تبیین ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی در تدوین مستندات توسعه کشور و به‌ویژه تدوین سند آمایش سرزمین فراهم نماید. مقاله حاضر متناسب با طرح مسئله، اهداف و ماهیت پژوهش در زمره پژوهش‌های بنیادی محسوب شده که در آن از روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «ابعاد بنیادین نه‌گانه عدالت، سلامت، امنیت، معرفت، معنویت، آزادی، ثروت، قدرت و منزلت» و همچنین توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار از منظر اسلامی در تدوین مستندات توسعه کشور به‌عنوان سه مولفه کلیدی تحقق تمدن نوین اسلامی، باید مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مستندات توسعه کشور، سند آمایش سرزمین، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار.



## مقدمه

این مقاله، مدخل و مقدمه ورودی است به موضوع بسیارمهم آمایش سرزمین از منظری عمیق‌تر و فراگیرتر از ادبیات معمول آمایش سرزمین، که براساس یک مدل مفهومی سه‌ضلعی یا سه‌رکنی شامل منظر تمدنی، منظراسلامی و منظر توسعه‌ای و آمایشی که تلاش می‌کند تا ابعاد بنیادین، جهتگیری‌های کلی، انتظارات و احکام تدوین‌سند مطلوب آمایش سرزمین ایران اسلامی با بینش و روشی شایسته‌تر و با افق تحقق بخشی تمدن نوین اسلامی تدوین و مورد اهتمام قرار گیرد.

به همین منظور، پژوهش با این پرسش اصلی آغاز می‌شود که چرا علی‌رغم اجرای ده برنامه ۵ و ۷ ساله قبل و بعد از انقلاب اسلامی و سرمایه‌گذاری‌های هدفمند با مشارکت و بکارگیری نظریه‌های وارداتی، ایران به اهداف توسعه‌پایدار دست نیافته است؟ این واقعیت علی‌رغم پاسخ‌های متفاوتی که می‌تواند داشته باشد و هرکدام در جای خود در خور تامل است؛ چرا دانش آمایش سرزمین را مورد نقد و سؤال قرار ندهد؟ آیا دانش آمایش سرزمین که از جمله علوم میان‌رشته‌ای است؛ دانش تجربی با قواعد جهان‌شمول است که نسبت به دستگاه جغرافیایی و فرهنگی ملل خنثی می‌باشد؛ یا نه؟ دانشی است که نسبت به سرزمین، که ظرف مکانی شکلگیری یک نظریه‌ی ارزشی است و بر حسب تفاوت‌های ارزشی جوامع چارچوب‌های متفاوتی از فضا را شکل می‌دهد و به همین دلیل چگونگی شکلگیری فضا در دستگاه فرهنگی آن با دیگر دستگاه‌های فرهنگی، متفاوت خواهد بود. ضمناً هویت مکانی، سازماندهی‌های اجتماعی متناسب با خودش را سامان داده و نهادینه می‌کند. این یعنی دانش آمایش سرزمین و سازوکارهای آن زمینه‌پرورده‌اند؛ و از فرهنگ و تمدن و جغرافیا متأثر می‌باشد. این واقعیت‌ها، تعمیق بخشیدن به عمق و مقیاس دانش آمایش سرزمین را مورد تأکید و کانون توجه قرار می‌دهد. حوزه‌های تمدنی مختلف (آتنی، چینی، اسلامی، ... ایرانی) قلمروهای دانش متمایز را پدید آورده‌اند. نگاه ایرانیان و نگاه اسلام به موضوع جهان و جهان‌بینی و سعادت بشری با نگاهی که حوزه تمدنی آن دارد متفاوت و در برخی از وجوه متعارض

است. آمایش سرزمین، چنان گستره موضوعی و جغرافیایی فراگیری دارد که سامان‌یابی جامع در همه ابعاد آن را تحت تاثیر، هدایت و مداخله خود قرار می‌دهد؛ و نوع زیستن و کیفیت و کمیت آن را شکل می‌دهد؛ یعنی حیات اجتماعی و هدفمندی و ضرورت آن را دربرمی‌گیرد و ظرفیت‌های آشکار و نهان آن را بادیدی دراز مدت در مسیر بهره‌برداری بهینه قرار می‌دهد. با این مقدمات و بصیرت‌های نو، این نتیجه حاصل می‌شود که باید آمایش سرزمین را از منظر جامع‌تر و بنیادی‌تر مورد تامل و اندیشه‌ورزی قرارداد تا توانست دانش بومی-تمدنی آمایش سرزمین را بر اساس فراگیرترین نیازها و خواسته‌های انسان و جوامع بشری تدارک و استقرار بخشید.

در این راستا و با توجه به تکلیف ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه کشور مبنی بر الزام بر تدوین سند ملی و استانی آمایش سرزمین تا پایان سال اول برنامه (۱۳۹۶)؛ و اجرای آن از سال دوم، و با نظر به اینکه مقوله تدوین اسناد آمایش سرزمین در برنامه‌های پیشین نیز مورد توجه قرار گرفته (مواد ۷۲) و (۱۸۲) قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸، ۱)، و براساس بررسی‌های انجام شده تدوین برنامه‌ی آمایش از دیرباز مورد توجه بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۷). اما به‌واسطه ظاهرگرایی و بسنده کردن به شکل و نه محتوا در انجام وظایف قانونی، متأسفانه هنوز الزامات و پیش‌نیازهای حداقلی تدوین سند آمایش سرزمین در کشور وجود ندارد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸، ۲). هرچند باید توجه داشت کم دستاورد بودن اقدامات انجام شده در حوزه آمایش سرزمین مربوط به یک دولت یا دوره اخیر نبوده؛ و ارزیابی آسیب‌شناسی آمایش سرزمین در دو سطح «اندیشه‌ای» و «جراحی» حکایت از وجود کاستی‌های جدی در دوره‌های مختلف تدوین برنامه‌های آمایش دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸، ۱۷). از همین روی، در مقاله حاضر تلاش شده است تا داشته‌ها شامل ابعاد بنیادین و اصول حاکم بر تدوین سند آمایش، خواسته‌ها شامل جهتگیری‌های کلی و انتظارات آن و بالاخره، بایسته‌های



باید بشود؛ و بر اساس بررسی‌های انجام شده در مطالعات مختلف، «برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای صورت گرفته در ایران، تاکنون دستاوردهای قابل اعتنایی نداشته‌اند و با کم‌دست‌آورد بودن و عدم توفیق برنامه‌های توسعه‌ای و آمایش کشور و کم‌اثر شدن آنها مواجه بوده و در اغلب موارد نابرابری و شکاف توسعه‌یابی مناطق مختلف کشور افزایش یافته است» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳).

بدین ترتیب کشور دارای چهره‌ای دوگانه شده که بخشی از آن کمتر توسعه یافته و محروم و بخش دیگر توسعه یافته است. به عبارت دیگر، در چند دهه اخیر، از یکسو روند فزاینده نابرابری‌ها و افزایش شکاف توسعه بین مناطق مختلف و عدم توازن‌های جدی و بحران‌آفرین و عدم تعادل‌های گسترده در پهنه سرزمین و سایر مسائل و مشکلاتی که پیش‌تر اشاره شد؛ افزایش یافته است؛ و از سوی دیگر روند کند، و گاهی شتابزده توسعه بدون توجه به شایستگی‌های منطقه‌ای و بایستگی‌های اقلیمی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان سرزمین موجب پیدایش مشکلات جدید، فاصله گرفتن از اهداف بنیادین توسعه و تنزل و تقلیل اهداف به پایین‌ترین سطح آن با قابلیت اثربخشی نامناسب شده است. از یکسو، با پدیده سندرم تهیه طرح‌ها و برنامه‌های پی‌درپی، موازی و تکراری، ظاهرگرایی و بسنده کردن به شکل و نه محتوا در انجام وظایف قانونی مواجه بوده‌ایم؛ و از سوی دیگر پای‌بندی ضعیف به طرح‌ها، برنامه‌ها و ایده‌ها و ناکارایی آن در عین وجود برنامه‌های اسناد رسمی وجود داشته است. این امر موجب افت کیفی نتایج توسعه و دوگانگی چهره کشور به بخش توسعه‌یافته و بخش کمتر توسعه‌یافته و محروم و بروز نابرابری‌های عظیم در کیفیت زندگی مردم و سطح رفاه اجتماعی ایشان از منظر توزیع منابع مالی، زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی شده است. لذا، به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که سبب افزایش نابرابری‌ها در مناطق مختلف کشور شده، عدم توفیق برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و تقسیم کار فضایی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸)؛ به نقل از مجموعه مطالعات (۱۳۹۳). همچنین مشاهده شده، از یکسو، وجود موانع و

تدوین سند آمایش شامل احکام و ضوابط بالادست مترتب بر آن، با تأکید بر فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی و به‌ویژه تمدن‌سازی از منظر اسلامی را تبیین نموده و ارائه نماید.

### داده‌ها و روش کار

با توجه به طرح مسئله صورت گرفته، اهداف اصلی این مقاله ارائه مدخلی برای تبیین و معرفی ابعاد بنیادین تدوین سند آمایش سرزمین از منظر رهیافت دستیابی به تمدن نوین اسلامی به عنوان نتیجه و حاصل فرآیند تحقق اهداف مورد نظر انقلاب اسلامی است. بر همین اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تمدن بزرگ اسلامی چگونه به شکوفایی و سپس افول تدریجی حرکت کرد؟
۲. چرا انقلاب اسلامی به‌عنوان تبلور اسلام حقیقی در تاریخ معاصر، نویدبخش شکوفایی مجدد تمدن نوین اسلامی است؟
۳. مؤلفه‌های شکلگیری تمدن‌ها بر اساس تعاریف تمدن‌ها و بسط تاریخی آنها کدامند؟
۴. مولفه‌های کلیدی تحقق تمدن نوین اسلامی چیست و چه مدل مفهومی می‌توان برای آن ترسیم نمود؟
۵. جایگاه سند ملی آمایش در تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟

مقاله حاضر متناسب با طرح مسئله، اهداف و ماهیت پژوهش از پژوهش‌های بنیادی محسوب شده؛ و در آن از روش تحلیل محتوا و استفاده از مطالعات اسنادی و تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه استفاده شده است.

سند ملی آمایش سرزمین ایران اسلامی: مسئله‌ای بنیادین با مرور وضعیت توسعه آمایش کشور طی دهه‌های گذشته ملاحظه می‌شود مخرج مشترک هر نوع تحلیل تاریخی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)، پارادایمیک (دوران سازندگی، اصلاحات، و...)، مدیریتی و سیاسی (دولتمردان و سیاستمداران حاکم)، و بالاخره تحلیل برنامه‌ای (پنج برنامه توسعه قبل و پنج برنامه بعد از انقلاب اسلامی)، حکایت از آن دارد که وضعیت از آنچه که بود؛ تا آنچه که شده؛ آنچه که باید می‌شده؛ آنچه که می‌خواستیم بشود؛ و آنچه که





آیا وجود سند آمایش مسئله است یا نداشتن آن؟ اگر وجود سند مسئله است؛ مسئله چیست؟ و اگر نداشتن سند آمایش مسئله است؛ مسئله چیست؟ آیا اصولاً همزمان، همه گروه‌ها و مخاطبان و دستگاه‌ها، و... استنباط و درک واحدی از سند آمایش دارند؟ اگر داشتن و نداشتن سند مسئله است؛ چه نوع مسئله‌ای است؟ آیا مسئله، مسئله گذشته است؟ آیا مسئله سند، مسئله آینده است؟ آیا مسئله توسعه است؟ آیا مسئله‌اش فقدان ارزش‌ها و آرمان‌هاست؟ آیا این مسئله، اندیشه‌ای، ساختاری یا کارکردی است؟ آیا مردم به عنوان مهم‌ترین رکن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران هم‌اعتقاد به وجود چنین مسئله دارند و آیا اصولاً مسئله آنها چیست؟ آیا اولویت آنها توسعه و آینده و آمایش است؛ یا شغل و درآمد و امرار معاش روزانه؟ اصولاً مسئله ذهنی مردم چیست؟ شاید به واقع در ذهن ما وجود یا عدم وجود سند آمایش مسئله نباشد؛ یا اگر هست مسئله اجماعی در سطح ملی نیست؛ چرا که بر خلاف مسائلی که اراده انجام آنها وجود دارد؛ اقدامی موثر در این جهت صورت نگرفته است؛ و نمی‌گیرد.

به این ترتیب دو نکته اساسی در آسیب‌شناسی اسناد توسعه و آمایش و عدم تحقق آنها روشن می‌شود. اول، قرار داشتن منشأ مشکلات در چهار چالش نگرش، کنش، روش و پایش در اسناد توسعه‌ای و آمایش کشور، و دوم؛ میسر نبودن اصلاحات طرح‌ها و اسناد توسعه در چارچوب رویکردهای کلیشه‌ای رایج که موجب عدم تحقق اهداف و عدم پویایی آنها در استقبال از الگوهای نوآورانه توسعه‌ای در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی شده است.

شکوفایی و افول تمدن بزرگ اسلامی همه تمدن‌ها یک دوران اوج دارند؛ و بالاخره به دوران افول خود نزدیک می‌شوند. بی‌شک همه ما تمدن‌های مختلفی را مثل تمدن یونان، تمدن روم باستان، و... در تاریخ خوانده‌ایم که روزی در اوج خود بوده‌اند؛ اما، اکنون در کتاب‌های تاریخی خوانده می‌شوند؛ یا مردم به دیدن آثار باقی‌مانده از آنها می‌روند.

پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گردآمدن ملل گوناگون در زیر یک پرچم به نام پرچم اسلام، تمدنی

مشکلات در ابعاد مختلف، تدوین و اجرا برنامه‌ها و اسناد توسعه و آمایش با هدف رفع تبعیض ناروا از مناطق کشور را با چالش جدی مواجه ساخته است؛ و از سوی دیگر، وجود ظرفیت‌های فراوان و فرصت‌های گران قیمت و سرمایه‌ها و امکانات متنوع به فراخور نیازها و استعدادها، رشد مناطق مورد غفلت واقع شده است. از یک‌سو، عدم پی‌ریزی صحیح نظام برنامه‌ریزی کشور، نمایشی بودن التزام برنامه در بین تصمیم‌گیران و مدیران کشور و فقدان وجود نگرش آمایش در افق تمدن‌سازی و برنامه توسعه سرزمینی کشور و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی خودنمایی کرده است؛ و از سوی دیگر، قابلیت آمایش سرزمین به عنوان بستر ساز برون‌رفت از بسیاری از معضلات کشور و ارائه‌دهنده سیمایی مطلوب از طرح‌ریزی توسعه کشور و سازمان فضایی مطلوب و بهینه توسعه آن مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

مسئله و مشکل کجاست؟ باید در این نکته تامل کرد که ریشه پیدایش چنین مسئله‌هایی چیست؟ کدام علت‌ها و دلایل، اسباب بروز وضعیت کنونی را فراهم آورده است؟ وضعیتی که با وجود همه شعارها و نیت‌هایی که دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در دوران خدمت خود مطرح کرده و دنبال نموده‌اند؛ رخ داده است. آیا ریشه مسائل در شعارها و برنامه‌ها نهفته است و یا دلایل دیگری اسباب بروز چنین وضعیتی شده‌اند؟ با مروری بر شعارها و برنامه‌هایی که در طول شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است؛ می‌توان به آسانی دریافت که در قریب به اتفاق برنامه‌ها، شعارهایی چون «عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و...» مطرح بوده است؛ شعارهایی که امروز نیز سندیت و حجیت آنها باقی است. بنابراین اگر چه نقایص موجود در جهتگیری برنامه‌ها در بروز وضعیت کنونی سرزمینی، بی‌تاثیر نبوده است؛ و با انجام تحلیل محتوا می‌توان نشان داد که معانی حقیقی پشت اهداف و سیاست‌های پیش گرفته شده، با ظاهر آراسته آنها متفاوت است؛ با این حال، نمی‌تواند علت اصلی بروز آن باشد (گروه مشاوران تنسیق سرزمین ۱۳۹۷)



افعالی، توحید تشریحی و... دین اسلام همان توحید است اجمالاً؛ و توحید همان اسلام است؛ تفصیلاً. توحید به معنای واقعی کلمه موجب گسیختن تمام قفل‌ها و زنجیرهای بسته به پای آدمیان است و موجب رهایی او از درد و آلام و رسیدن او به کمال و تمام لذت‌های معنوی و روحانی است. هدایت، سعادت، کمال و تکامل و... همه در ذیل این پیام اصیل و اصلی است که «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه ۱۳۸۵).

ماهیت این انقلاب، اسلامی است به معنای همه‌جانبه اسلام؛ نه فقط بعد معنوی و عبادی آن یا فقط بعد آزادی‌خواهانه آن، بلکه اسلام حقیقی و همه‌جانبه مبنا و منظور بوده است. در این انقلاب همه عوامل رنگ اسلامی به خود گرفت چون همه خواسته‌های مطلوب را اسلام در تعلیماتش گنجانده و اسلام همه را فراگرفته است. عدالت می‌خواهند؛ حد اعلایش را در اسلام می‌یابند؛ آزادی و حریت می‌خواهند؛ همین‌طور؛ مبارزه با ظلم و ستم نیز به همین منوال، ایستادگی و مقاومت و ذلت‌ناپذیری و عزت‌طلبی هم در عالی‌ترین مراتبش مورد همت اسلام بوده است (مطهری ۱۳۵۷).

اساساً ما انقلاب کردیم چون مسلمانی و اسلام را فهمیدیم؛ مسلمانی را عمل کردیم چون موحدیم و توحید اقتضا می‌کند؛ پس ما انقلاب کردیم چون موحدیم و توحید همه این اقتضائات انقلابی را دارد (خسرو پناه ۱۳۹۶).

بنابراین، انقلاب اسلامی با رویکرد نوینی که هم ماهیت اسلامی، هم سیاسی و هم انقلابی دارد وارد عرصه شد. اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. این گفتمان بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است؛ و به دلیل تکیه بر وحی از دیگر نظریه‌های سیاسی موجود، برتر می‌باشد. هدف نهایی این گفتمان، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود (بصیری و دیگران ۱۳۹۵).

این نوع از اسلام (اسلام سیاسی) دوران تعامل با غرب

عظیم و شکوهمند و بسیار کم‌نظیر به وجود آمد که دانش جامعه‌شناسی و تاریخ، آن را به نام تمدن اسلامی می‌شناسد (مطهری ۱۳۶۲، ۱۴۶). تمدن اسلامی برخلاف تمدن‌هایی که می‌شناسیم؛ هنوز هم پابرجاست. شاید در اوج خود نباشد؛ اما هنوز از بین نرفته؛ بلکه قابلیت زاینده‌گی و شکوفایی خود را دارد؛ چون یک تحول بزرگ و منطقی در زندگی بشر پدید آورده است.

رسول جعفریان ادوار تمدن اسلامی را متناسب با شرایط تاریخی موجود در جهان اسلام طی چهارده قرن تقسیم‌بندی نموده است. بر اساس این تقسیم‌بندی، در هر دوره‌ای که فرصت توجه و عمل به تعالیم و آموزه‌های اسلامی فراهم بوده است؛ شکوفایی و رونق تمدنی وجود داشته؛ و در هر مقطعی که غفلت و فاصله از آموزه‌های اصیل اسلامی همراه بوده است؛ رکود و افول پدیده آمده؛ و تمدن اسلامی را با چالش و انفعال مواجه ساخته است (جعفریان ۱۳۸۵، ۱۰۸-۱۰۷).

الف) دوران شکلگیری و نضج تمدن اسلامی (قرن اول و دوم / هفتم و هشتم میلادی)

ب) دوران حرکت و پیشرفت (قرن سوم / نهم میلادی)

ج) دوران اوج تمدن اسلامی (قرن چهارم تا اوایل هفتم / دهم و سیزدهم میلادی)

د) دوران توقف و رکود (قرن هفتم - دهم / سیزدهم - شانزدهم میلادی)

ه) دوران تجدید (دهم تا دوازدهم / شانزدهم - هیجدهم میلادی)

و) دوران انحطاط (قرن سیزدهم و چهاردهم / نوزدهم و بیستم)

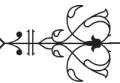
بازگشت به عصر شکوهمند تمدن اسلامی و تبلور اسلام حقیقی در تاریخ معاصر نویدبخش شکوفایی تمدن نوین اسلامی را می‌دهد که با ظهور زمینه‌های انقلاب اسلامی از ۱۵۰ سال قبل آغاز و امروز به بار نشست است.

**انقلاب اسلامی (ایران) تبلور اسلام حقیقی در تاریخ**

**معاصر و نویدبخش شکوفایی تمدن نوین اسلامی**  
شالوده و اساس ادیان ابراهیمی همان «توحید» است در ابعاد مختلف؛ یعنی توحید و ربوبیت. توحید ذات، توحید







عدول از اصول خود در برابر دشمنان نیست.... اسلام انقلابی در برابر اسلام‌های عافیت‌طلبانه، صوفیانه و متظاهرانه و اسلام‌های انحرافی و التقاطی و اسلام سرمایه‌داری و اسلام آمریکایی مطرح شده است.... اسلام است که ملت‌های مسلمان را به حرکت وا می‌دارد و وارد میدان مبارزه با جهان خواران و مستکبران می‌کند.... اسلام جهاد و شهادت است و الهام گرفته از نهضت عاشورا.... اسلام وسط میدان، اسلام آرمان‌گرا، اسلام مقابله با قدرت مادی سلطه‌گر در برابر اسلام زراندوزان مرعوب و دنیاگرا و اسلام گوشه نشینی و عزلت و ذلت.... و خلاصه اسلام اصلاح و تحول و انقلاب است. به این ترتیب، اسلام انقلابی، گفتمان انقلاب اسلامی است».

انقلاب اسلامی که علاوه بر ماهیت و هدف عمده حاکمیت الهی و اسلامی، اهداف دیگری از قبیل عدالت‌جویی، استقلال‌طلبی (هویت نه شرقی - نه غربی)، آزادی‌خواهی و برقراری معنویت اخلاقی و سعادت بشری را برای نهضت مطرح می‌نمود (دهشیری ۱۳۷۷). بنابراین، با پیروزی انقلاب اسلامی، یک اندیشه چالش‌گر سازگار با فطرت پاک انسانی یعنی آرمان‌های اسلامی پا به عرصه جهان گذارده؛ و در سالیان پس از پیروزی انقلاب توانسته است حق‌جویان و دوستداران بسیاری را در جهان با خود همراه سازد. آرمان‌های این انقلاب به‌عنوان یک چالش‌گر بیرونی در برابر تمدن غربی - و نه یک چالش‌گر درونی که میل به سازش و بده‌بستان برای ماندن دارد - در حال جهانی‌شدن و فراهم کردن شرایط برای افول نهایی آرمان‌های غربی می‌باشند (ملکوتیان ۱۳۹۴).

کلان‌معماهای تمدن‌سازی نوین اسلامی تمدن‌سازی نوین یکی از آموزه‌ها، آرمان‌ها، و غایات اساسی انقلاب اسلامی است و تمدن‌سازی نوین در آرای مقام معظم رهبری منوط به پنج مرحله تحول ساختاری و انقلاب اسلامی با ایجاد رژیم سیاسی اسلامی، تحقق دولت اسلامی، ایجاد جامعه اسلامی یا کشور اسلامی، و سرانجام در مرحله پنجم تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این فرآیند همواره معماهایی فراروی متفکران مسلمان قرار داشته که در صدد حل و تولید پاسخ برای

و سپس مرحله تقابل با غرب و پرهیز از تمدن غربی را با چالش‌ها و فراز و نشیب‌های بسیار گذرانید و به مرحله‌ی مطالبه فراگیر حکومت اسلامی رسید و اسلام به ایدئولوژی برای رسیدن به قدرت تبدیل شد؛ و احزاب اسلام‌گرا در کشورهای مختلف اسلامی تشکیل شده و با ارائه برنامه‌های خاص سعی در جلب آرای مردم کردند. این مرحله با مجاهدت‌های فراوان در کشورهای مختلف به‌ویژه ایران پیش رفت؛ و نهضت‌های مختلفی را شامل شد تا رسیدن به عصر خمینی (ره) که با پیروزی انقلاب اسلامی به تحقق جمهوری اسلامی ایران منجر شد. براین اساس مبانی اسلام سیاسی را می‌توان چنین خلاصه نمود: ۱. اعتقاد به ابعاد فراگیر دین اسلام، ۲. اعتقاد به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، ۳. اعتقاد به تشکیل دولت بر اساس اسلام، ۴. اعتقاد به اینکه استعمار غرب عامل عقب‌ماندگی مسلمانان است، ۵. باور به جامعیت و کامل بودن احکام و نظریه‌های ازلی و ابدی اسلام، ۶. اعتقاد به اجرای عدالت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ۷. ارائه الگوی توسعه پایدار و همه‌جانبه، ۸. مبارزه آشکار علیه ارزش‌های تحمیلی غرب (بصیری و دیگران ۱۳۹۵).

همانگونه که بیان گردید رویکرد دیگر اسلام، انقلابی بودن آن است که با تکیه بر مجموعه فرمایشات امام خمینی (امام خمینی، صحیفه نور) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناسبت‌های مختلف (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۰) در خصوص اسلام انقلابی برداشت‌ها و دریافت‌های زیر حاصل می‌شود: اسلام در ذاتش انقلابی است؛ اگر انقلاب را به معنای تحول با هدف و افق مطلوب در نظر بگیریم؛ کلمه انقلابی به اسلام اضافه می‌شود تا آن را از اسلام‌های تحریف‌شده و تقلبی و بدلی که به دنبال تحول مردمی برای بهتر شدن اوضاع نیستند، تفکیک کند. در این صورت می‌توان ویژگی‌های اسلام انقلابی را به قرار زیر برشمرد: «اسلامی که عبودیت حق و اجتناب از طاغوت محور آن است.... خصم ظالم و یاور مظلومین و ضعفاست.... با بی‌عدالتی و ذلت‌پذیری مبارزه می‌کند.... برای اقامه حق و تحقق اسلام «قیام‌الله» می‌کند.... اهل سازش‌کاری و





دولتمردان راه را برای «جامعه‌سازی» و تحقق «جامعه اسلامی» یعنی منزل چهارم تمدن‌سازی فراهم می‌کند. این اتفاق تا حدودی در مقطعی خاص در صدر اسلام و نسل اول مسلمانان رخ داد؛ و در دهه اول انقلاب اسلامی در ایران نیز تجربه شد که می‌تواند این دو تجربه گران بها باز هم تکرار شود.

منزل پنجم، تحقق «تمدن نوین اسلامی» در دنیای مدرن است. تمدن‌سازی نوین امکان‌پذیر است. هرچند راه نرفته‌ای در دوره مدرن است؛ با این همه یکبار دست‌کم این اتفاق افتاده است؛ و امکان تکرار آن در دنیای مدرن (و جاهلیت مدرن!) نیز وجود دارد. تجربه تمدن‌سازی قدیم، ذخیره بالارزشی برای تمدن‌سازی نوین است. تمدن‌سازی نوین اسلامی، وجوه تمایز برجسته‌ای در ابعاد بنیادین تمدن دارد که ناشی از هویت اسلامی و فرهنگ غنی و والای آن است که در بنیان‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی انعکاس یافته است.

به این ترتیب، تمدن نوین اسلامی به دوگانه‌پنداری‌های نادرست غرب پایان می‌دهد: دوگانه مادیت و معنویت، خدا و انسان، پیشرفت و عدالت، روح و جسم، زن و مرد، دین و سیاست، علم و دین، عقل و دین، آزادی و عدالت، و سرانجام دوگانه سنت و تجدد. تمدن نوین اسلامی، این کار را با توجه به شناخت ژرف خود از انسان و هستی انجام می‌دهد. سد و مانع مهم تحقق تمدن نوین اسلامی، مزاحمت ساختاری تمدن غرب و سبک زندگی نهادینه شده در جوامع موجود و کشورهای اسلامی است. تمدن غرب، به اقرار صاحب‌نظران و حتی منتقدان درونی غربی، دیرزمانی است که شرایط لازم سقوط و انحطاط را دارد؛ و به دلیل نبود شرایط کافی به حیات خود ادامه داده است؛ و آن وجود تمدن بدیل و جایگزین است. این مانع و سد، اکنون یکصد و پنجاه سال است یکی از موانع مهم توسعه‌نیافتگی جهان اسلام است (برزگر ۱۳۹۷).

**مؤلفه‌های شکلگیری تمدن‌ها بر اساس تعاریف**

**تمدنی و بسط تاریخی آنها**

فرآیند تمدن‌سازی، فرآیند پاسخ‌گویی به نیازهای زندگی بشر است (کاظم مقدم ۱۳۹۶). در این جهت تعاریف و

آن بوده‌اند. از میان این معماها برخی کلان‌معما می‌باشند. این کلان‌معماها می‌تواند شامل چند مورد زیر باشد (دفتر تقریب مذاهب اسلامی ۱۳۹۶).

یکی از این کلان‌معماها این بود که آیا اسلام در کشورهای مسلمان می‌تواند خود معمار تحول و تغییرات اجتماعی باشد یا نه؟ این معما علی‌رغم تلاش‌های متفکران و جریان‌های اندیشه‌ای مختلف تا ظهور انقلاب اسلامی ایران حل نشد. با واقعیت انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) این کلان‌معما حل گشت. مسلمانان ایران و جهان اسلام با چشم خود دیدند که اسلام می‌تواند خود کارگزار و معمار تحولات اجتماعی باشد و به نیازهای انسان مدرن با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی پاسخ دهد و بنابراین «تمدن‌سازی نوین» به اولین منزل خود با موفقیت رسید. منزل دوم «معمای تولید نظام و رژیم سیاسی اسلامی» در دنیای مدرن بود. معما این بود که آیا اسلام می‌تواند «نظام‌سازی مدرن» ایجاد کند یا نه؟ با طراحی جمهوری اسلامی که نیمی عنصر مدرن و نیمی ارزشی و سنتی بود؛ این کار انجام شد و گفتنی است که این نظام سیاسی «پایداری لازم» را هم داشته است؛ و اکنون در چهل‌سالگی خود در ایران به سر می‌برد. بنابراین اسلام می‌تواند هم نظام‌سازی کند؛ و هم نظام سیاسی پایدار برخلاف رودخانه مسلط سکولاریسم غربی ایجاد کند. این گام دوم، راه را برای رسیدن به منزل سوم تمدن‌سازی هموار کرده است. منزل سوم، حل معمای «دولت اسلامی» است و آن تربیت نسلی از حکومتگران صالح است که با تدبیر نخبگانی خود، کشتی نظام سیاسی را در تلاطم مشکلات داخلی و فشارهای سهمگین ساختار بین‌المللی، به ساحل نجات هدایت کند. این امر کلیه نظام سیاسی-اداری و اجرایی را شامل می‌شود (دولت به معنای اعم)؛ این گام هنوز در ایران به طور کامل برداشته نشده و تحقق نیافته است. در واقع چند دهه است که برای تحقق آن همچنان ناکام مانده است.

انسان‌سازی و پرورش انسان‌های مؤمن و در تراز شاخص‌های اسلام و تمدن‌سازی نوین اسلامی، از اهداف اساسی و درازمدت انقلاب اسلامی است و خودسازی





محدود فراتر می‌رود. اراده جمعی و انسانی: حرکتی جمعی و محصول اراده آگاهانه بشری است. اراده‌ای که جمعی و سپس جهانی شده است.

دارای مهد، جامعه و سرزمین: تمدن‌ها موطن و محل تولد دارند؛ گرچه مرز جغرافیایی ندارند.

منحصر نبودن به مرزهای جغرافیایی: شمولیت و فراگیری تمدن‌ها به خارج از حصار و حدود جامعه محل تولد خود شمولیت در ابعاد و روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی: چهار بعد هر جامعه را دارند؛ اما در مقیاس تمدنی، یعنی فرهنگ تمدنی، سیاست تمدنی، اقتصاد تمدنی و اخلاق تمدنی.

قدرت نفوذ، جریان‌سازی جهانی و برتری‌طلبی: نه انسان به اندازه جامعه و نه جامعه به اندازه تمدن، توانایی نفوذ و جریان‌سازی‌های جهانی را دارد؛ این مؤلفه‌ها نمود میزان برتری و توانایی تمدن‌ها در تحقق اهداف خود هستند.

تعالی‌جویی و آرمان‌خواهی فراگیر: این مؤلفه نمود تعالی‌جویی و برخورداری تمدن‌ها از مبانی خاص مکتبی و غالباً مرتبط با ادیان است.

تأثیر در تحولات تاریخی: تمدن‌ها دارای برد تاریخ‌سازانه و موثر در سرنوشت تاریخی انسان و جوامع هستند و بشریت را می‌تواند رو به انحطاط یا کمال ببرد. تمامی مؤلفه‌های هشت‌گانه با تمدن موجود غربی که سیطره یافته است؛ قابل تطبیق می‌باشد.

نیازهای بنیادین بشر موجب تکوین نهادهای اصیل و اولیه شده و استقرار آنها و تعاملشان با یکدیگر در روند تاریخی تکوین تمدن‌ها و آثار بجای مانده از آنها نمایان شده است. ظلم‌گریزی و ظلم‌ستیزی اینای بشر - که امری فطری و همگانی است - آرمان و مطالبه و نهاد عدالت و دادگستری را پدید آورده است. ضعف عدالت‌گستری از عوامل انحطاط تمدن‌ها به‌شمار رفته است؛ چرا که عدالت با رضایت مردم و پایداری نظام اجتماعی رابطه‌ای وثیق دارد. تعالی‌جویی و آرمان‌خواهی فراگیر انسان‌ها، نهاد آزادی و معرفت و معنویت را پدید آورده است. نهضت‌های ترجمه در آغاز پیدایش تمدن‌ها، گویای نقش اساسی معرفت در ایجاد

مؤلفه‌های بسیاری در خصوص تمدن ذکر شده است که تعاریف ارائه شده از تمدن در چهار دسته قرار می‌گیرند: تعاریف انسان‌محور: در آثار اندیشمندانی چون برتراند راسل، دورکیم و مولس، آرنولد توین بی، کانت، فوکوتسا و ایوکیپی، رالف لینتون، دکتر علی شریعتی، زمینه مساعد و بارآوری که هر استعدادی در آن امکان شکوفا شدن آزادانه خویش را به دست می‌آورد.

تعاریف فرهنگ‌محور: گی روشه، هانتینگتون، برودل، داوسون، اشیپنگلر، مالک بن نبی، رضا داوری اردکانی، بیلز و هوپجر، ادوارد تایلر، هنری لوکاس، جولوس گولد، دکتر شریعتی، تمدن برابر با فرهنگ و به معنای مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک جامعه است. تعاریف جامعه‌محور: آلفرد وبر، ناصر تکمیل همایون، پهلوان، دورکیم، برودل، توین بی، امانوئل والرشتاین، ویل دورانت، الوین تافلر، هرسکویتس، داریوش آشوری، مک ایور، دنی کوش، کروبر، نوربرت الیاس، ابن خلدون، اتکینسون، وایتلر، برودل: جامعه و تمدن را نمی‌توان از هم تفکیک کرد؛ این هر دو ایده به واقعیت واحدی باز می‌گردد. تعاریف تاریخ‌محور: برودل، مارسل موس، باتامور، تمدن میراثی مشترک است که بر اثر درگیری در یک فرایند مشترک طی زمانی طولانی (حتی یک یا دو هزار سال) پدید آمده؛ و نشانگر توانایی خاص برای تعاون و همکاری و پاسخ‌گویی مناسب است.

در تعاریف عنوان شده از صاحب‌نظران فوق‌الذکر موارد بسیاری، از جمله موارد زیر تصریح شده است:

علم، فناوری، مذهب و هنر - حفظ و نگهداری نظم اجتماعی - تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی و عمران - نظام کنترل وضعیت اجتماعی - نظام تولید ثروت (کشاورزی، صنعت و دانش) - رفاه، معرفت و فضیلت - امنیت و آزادی - فرهنگ و علوم و هنرها و اخلاق - توانایی تعاون و همکاری و پاسخ‌گویی به نیازها.

از تحلیل داده‌های تعاریف و به‌گزینی و مرتبط‌گزینی آنها به مؤلفه‌های تمدنی می‌توان رسید. مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهومی تمدنی عبارتند از (حسینی ۱۳۹۳، ۲۱-۴۵):

سیطره فراملی: از حصار شخصی و جغرافیایی و جامعه‌ای



مولفه‌هایی که بر اساس تعاریف تمدن‌ها و بسط تاریخی آنها، نیازهای اصلی و اصیل بشری، فلسفه تاریخ و تاریخ بشری شامل عدالت، سلامت، امنیت، معرفت، معنویت، آزادی، ثروت، قدرت و منزلت است. به این ترتیب ضروری است تا برای تحقق تمدن نوین اسلامی این نه مولفه از دیدگاه و منظر اسلامی بازتعریف شود. عدالت از منظر تمدن اسلامی چگونه تعریف می‌شود؟ سلامت، امنیت، معرفت و دیگر مولفه‌ها هر یک چگونه تعریف می‌شود؟ بنابراین با بازتعریف این مولفه‌ها، می‌توان ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی را بازشناخت؛ و به آن تکیه نمود (شکل ۱).



شکل ۱. از یک طرف، تحقق تمدن نوین اسلامی بازتعریف مولفه‌های تمدنی از منظر اسلامی

۲. توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار از منظر اسلامی از آنجا که اساساً توسعه سه مشخصه اصلی دارد؛ ضروری است تا این سه مشخصه از منظر اسلامی نیز بازتعریف گردد (شکل ۲).



شکل ۲. از طرف دیگر، چستی توسعه از منظر اسلامی؛ توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار

و استقرار تمدن‌هاست (بیرامی ۱۳۸۶، ۱۹-۳۵). خواست امنیت نیز از نیازهای اولیه و اصیل است که بشر به محض توجه به ابعاد اجتماعی حیات خویش از طریق تشکیل حاکمیت و سیطره به ایجاد نهاد امنیت پرداخته است.

به بیان دیگر، نهادهای اصیل و اولیه از مؤلفه‌های جوامع بشری و در نتیجه از ابعاد بنیادین تمدن‌ها به‌شمار می‌روند. این‌ها نهادهایی هستند که جوامع انسانی به صرف اجتماع و مدنیت داشتن به ایجاد و استقرار آنها می‌پردازند؛ و مانند نهاد خانواده به‌طور طبیعی شکل می‌گیرند. نهادهایی که کارکردهای آنها پاسخ به نیازهای اصیل و اولیه انسان و جامعه انسانی است؛ نیاز به دادگری و عدالت‌گستری (نهاد عدالت و بعد بنیادین عدالت را محقق ساخته است)، نیاز به دوری از بیماری و ناتوانی‌های جسمی و روانی (بعد سلامت)، نیاز به امنیت و دوری از خوف و خطر (بعد امنیت)، نیاز به تعلیم و تربیت که دانش و دانایی را انتقال دهد (بعد معرفت)، نیاز به پشتوانه روحی و جهان‌بینی قابل اطمینان و اتکا (بعد معنویت)، نیاز به آزادی بیان و عقیده که استعدادهايش را شکوفا کند (بعد آزادی)، نیاز به توانمندی‌های مادی تا ضروریات بقا و تداوم حیاتش را تضمین کند (بعد ثروت)، و در نهایت نیاز به توانایی تغییر و تحقق اراده و آرمانش (بعد قدرت).

هر کدام از مولفه‌ها و ابعاد نه‌گانه فوق بنابر مکاتب مختلف و هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی و سعادت‌شناسی‌های متنوع دارای سطوحی از تعاریف، لوازم و مقتضیات هستند و از درجات مختلفی از اهمیت برخوردار می‌باشند. یک تمدن جامع و پویا باید فرآیند بهینه تحقق ابعاد نه‌گانه فوق را دارا بوده است؛ و ظرفیت‌های نظری و عملی شایسته برای پاسخگویی به این نیازهای پایدار و اصیل را داشته باشد.

### سه مولفه کلیدی تحقق تمدن نوین اسلامی: مدل مفهومی

۱. بازتعریف مولفه‌های تمدنی از منظر اسلامی نخستین مولفه کلیدی تحقق تمدن نوین اسلامی، ضرورت رویکرد اسلامی با تکیه بر ارزش‌ها و بنیان‌های انقلاب اسلامی به مولفه‌های تمدنی است.





شکل ۳. سه مولفه کالبدی تحقق تمدن نوین اسلامی؛ ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی؛ توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار و مستندات توسعه از منظر اسلامی

به این ترتیب مدل مفهومی رابطه سه مولفه کلیدی تحقق مرحله‌ای تمدن نوین اسلامی را می توان به شکل ذیل ترسیم نمود. در قاعده این مثلث ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی قرار دارد؛ و رویکرد هر یک از این ابعاد با توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار به سوی تمدن نوین اسلامی جهتگیری می شود. مستندات توسعه نیز در لایه های مختلف از سطح چشم انداز تا سند آمایش استان با ابعاد نه گانه بنیادین تمدن نوین اسلامی جایگاه مشخصی را تعیین می نماید. شایان ذکر است در عین حالی که هر یک از این ابعاد در سطوح و لایه های مختلف مستندات توسعه کشور تعریف مجدد می شوند؛ در ضمن در ارتباط با دیگر ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی نیز باز تعریف می شود (شکل ۴).



شکل ۴. مدل مفهومی رابطه سه مولفه کلیدی تحقق مرحله‌ای تمدن نوین اسلامی

الف) توسعه باید همه جانبه باشد؛ شاخص های توسعه باید با هم شروع به رشد کنند؛ نمی شود در یک جنبه از مولفه های توسعه ای پیش رفت؛ اما در جنبه دیگر آن جلو نرفت؛ این همه جانبه نیست.

ب) متوازن هم باید باشد؛ فاصله بین شاخص های توسعه نمی شود خیلی زیاد باشد. نمی شود اهداف کمی یک بخش صد درصد تحقق یابد؛ و در بخش دیگر زیر پنجاه درصد محقق شود. اگر در توسعه، متوازن حرکت نشود؛ بخش هایی که عقب هستند؛ ترمز قسمت های دیگر می شوند؛ و آنهایی که جلو هستند؛ عمدتاً بخش های عقب مانده را به پیش نمی برند. بنابراین، عدم توازن در توسعه باعث کند شدن سرعت آن می شود.

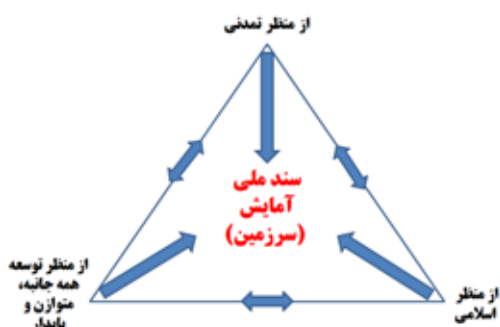
ج) توسعه باید پایدار باشد؛ پایداری به معنای اینکه لوازم نهادینه شدن یک کاری برقرار باشد ( قانون لازم، نهاد لازم، ساختار لازم، سیستم لازم، فرآیندهای لازم، منابع لازم، بسترهای لازم، آموزش های لازم، و...).

۳. مستندات توسعه از منظر اسلامی

سومین مولفه کلیدی تحقق تمدن نوین اسلامی، رویکرد اسلامی به مستندات توسعه در سطوح مختلف چشم انداز، سیاست های توسعه، سند ملی آمایش، طرح کالبدی ملی، طرح های جامع بخشی و فرابخشی، و سند آمایش استان، و طرح های توسعه استانی می باشد. اگر این اسناد پشتیبان وجود نداشته باشد؛ اساساً توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار معنی نمی دهد؛ و اتفاق نمی افتد. همت ولایی در جهت تهیه اسناد توسعه کشور با افق و رویکرد تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری است؛ و در این فرآیند «سند» حاکم بر توسعه کشور می باشد؛ نه سلیقه شخص و رویکردهای مدیریتی. به این ترتیب ضروری است چشم انداز تمدنی ایران در مقاطع و بازه های زمانی کوتاه باز تعریف شود؛ همچنین سطوح و لایه های بعدی اسناد توسعه نیز در عین حالی که در افق زمانی کوتاه مدت تعریف می شود؛ رویکرد و رهیافت کلان آنها تمدنی خواهد بود (شکل ۳).







شکل ۶ سند ملی آمایش، نقطه کانونی و گرانیکاد تحقق فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی به تمدن نوین اسلامی

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، ارائه مدخلی برای تبیین و معرفی ابعاد بنیادین مترتب بر تدوین مستندات توسعه کشور به‌ویژه سند ملی آمایش سرزمین از منظر رهیافت دستیابی به تمدن نوین اسلامی به عنوان حاصل و فرآیند تحقق اهداف مورد نظر انقلاب اسلامی بوده است. مقاله با این پرسش‌ها آغاز گردید که در کشور ما - که سال‌ها اسناد توسعه تهیه شده است - افق تدوین این اسناد به‌ویژه سند آمایش سرزمین چه بوده است؟ در حالی که بسیاری از برنامه‌های توسعه ما هدف هم نداشته‌اند؛ رویای ایران - اسلامی ما چه بوده است؟ به سوی کدام ایران حرکت می‌کنیم؟ آیا اگر افق تمدنی، دورنمای دستیابی مستندات توسعه باشد؛ مولفه‌های اصلی این تمدن که قاعدتاً تمدن نوین اسلامی است؛ کدام است؟ و سرانجام تاثیر این مولفه‌ها یا ابعاد در تدوین مستندات توسعه کشور و سند ملی آمایش سرزمین چیست؟ به عبارت دیگر مقاله در پی پاسخ به این پرسش اصلی بود که چه نسبتی میان مستندات توسعه کشور و سند ملی آمایش سرزمین با ابعاد بنیادین تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟ یافته‌های حاصل از مطالعه انجام شده حکایت از آن دارد که از جمله مهم‌ترین زیرساخت‌های شکلگیری و تداوم بخش تمدن‌ها، اتصال و هم‌پیوندی حکمت نظری و حکمت عملی بوده است. وضعیت امروز ما که از تمدن نوین اسلامی فاصله گرفته ایم به همین دلیل است که میان این دو فاصله و شکاف ایجاد شده است. در نتیجه اثربخشی فلسفه، حکمت، عرفان، ... نیز به دلیل دوری از

به عبارت دیگر، با تربیتی که در آن از یک‌سو تعریف عدالت در چشم‌انداز مشخص می‌شود؛ و در عین حال نیز رابطه عدالت با سلامت، امنیت و دیگر ابعاد نیز تعیین می‌شود؛ و به این ترتیب، تعریف جدیدی از چشم‌انداز و دیگر مستندات توسعه کشور مبتنی بر ابعاد نه‌گانه حاصل می‌شود.

### سند ملی آمایش سرزمین: مهم‌ترین سند انسجام‌بخش و توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار منظر اسلامی

چنانچه در مدل مفهومی مشاهده می‌شود؛ سند ملی آمایش سرزمینی به‌عنوان لایه میانی مستندات توسعه کشور از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است. در واقع این سند به‌عنوان مهم‌ترین سند انسجام‌بخش توسعه و زیربنایی‌ترین آن محسوب می‌شود. به همین دلیل، نقش واسطه‌ای و اتصال‌دهندگی اسناد بالادست مثل چشم‌انداز و سیاست‌های توسعه را با اسناد دیگر مثل طرح کالبدی ملی و طرح‌های جامع بخشی و سند آمایش استانی را ایفا می‌نماید (شکل ۵).



شکل ۵. جایگاه سند آمایش (سرزمین) در توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار و تحقق تمدن نوین اسلامی (مهم‌ترین سند انسجام‌بخش توسعه)

بنابراین می‌توان سند ملی آمایش سرزمین را نقطه کانونی و گرانیکاد تحقق فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی به تمدن نوین اسلامی برشمرد. چنانچه در شکل نمایش داده شده است؛ تهیه این سند محل تلاقی سه منظر تمدنی، منظر اسلامی و منظر توسعه همه‌جانبه، متوازن، و پایه‌دار است که زیربنایی‌ترین سند مورد تکیه توسعه کشور به شمار می‌رود (شکل ۶).





شکل ۷. سند ملی آمایش حلقه وصل حکمت نظری و حکمت عملی تمدن نوین اسلامی

عمل کاسته شده و روزبه‌روز منسوخ می‌شود. بدیهی است تا مادامی که ما مقلد و تقلیدگر تمدن غرب باشیم و میان حکمت نظری و عملی متکی بر آموزه‌های اسلامی نتوانیم شکاف و فاصله را پر کنیم؛ نخواهیم توانست به تمدن نوین اسلامی دست یابیم. اتفاقاً غرب هم دقیقاً از همین شکاف استفاده کرده است. آنها در جنگ‌های صلیبی آمدند؛ و علوم را از ما گرفتند؛ و در خودشان نهادینه کردند؛ و سپس نهادمندی علم را از درون ما بیرون بردند؛ و به ما باوراندند که عقب‌مانده هستیم؛ و در این مسیر بذراهایش را از بین بردند. به همین دلیل نیز چنانچه اتصال حکمت نظری و حکمت عملی برقرار شود؛ مجدداً با رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی مواجه خواهیم شد. در این میان سند ملی آمایش سرزمین نقش تعیین‌کننده خواهد داشت. این سند می‌تواند نقطه کانونی و حلقه وصل و اتصال‌دهنده حکمت نظری و حکمت عملی باشد

#### منابع

۱. امام خمینی. صحیفه نور، ۲۲ جلدی. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. برزگر، ابراهیم. ۱۳۹۷. *انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی، با نقشه راه، مسیر رفته و مسیر باقیمانده*. کتاب انقلاب اسلامی، گفتارهایی پیرامون انقلاب اسلامی از نظریه تا عمل، چاپ اول، خرداد.
۳. بصیری، صمد، و همکاران. ۱۳۹۵. *سیاست، دانشگاه تربیت مدرس (۱۱)*.
۴. بیرامی، ناصر رسول. ۱۳۸۶. *مسیر تمدن به مسیر انحطاط*. انتشارات بهجت.
۵. جعفریان، رسول. ۱۳۸۵. *نگاهی به ادوار تمدن اسلامی، کتابخانه دیجیتالی تبیان*، به نقل از کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۰۸-۱۰۷-تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. حسینی، سید حسین. ۱۳۹۳. *روش تحلیل مولفه‌های تمدنی. حکمت معاصر ۵ (۲)*.
۷. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۶. *منظومه فکری رهبری*.
۸. دفتر تقریب مذاهب اسلامی. ۱۳۹۶. *تمدن‌سازی نوین در آرای مقام معظم رهبری*، صفحه اصلی سایت، ۱۳۹۶/۰۹/۲۱.
۹. دهشیری، محمدرضا. ۱۳۷۷. *نظریه‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه انقلاب اسلامی*. حضور (۲۶).
۱۰. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ۱۳۸۰. *تبیین فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی جمع دانشجویان و دانشگاهیان استان کرمانشاه*، ۲۴/مهرماه.
۱۱. کاظم مقدم، ایمان. ۱۳۹۶. *مفهوم‌شناسی تمدن و تاثیر آن در روند تمدن‌سازی*.
۱۲. گروه مشاورین تنسیق سرزمین. ۱۳۹۷. *پروپوزال فنی طرح آمایش سرزمین*. سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۳. *مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران ۱*، فراتحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران.
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۷. *مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران ۴*، واکاوی عملکرد دولت در ارتباط با تهیه اسناد آمایش سرزمین.
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی. ۱۳۹۸. *مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران*
۱۶. نحوه مواجهه با تدوین سند آمایش سرزمین در شرایط کنونی، اردیبهشت ماه.



۱۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. *آینده انقلاب اسلامی*.  
 ۱۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۲. *خدمات متقابل اسلام و ایران* جلد یک. نشر صدرا.  
 ۱۸. ملکوتیان، مصطفی. ۱۳۹۴. *ظهور تمدن نوین اسلامی و افول تمدن غربی*، در مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، مهر.

References

1. Barzegar, Ebrahim. 2018. *The Islamic Revolution and Civilization, with a Roadmap, a Path and the Remaining Path. The Book of the Islamic Revolution*, Speeches about the Islamic Revolution from Theory to Practice, June.
2. Basiry, Samad va Hamkaran. 2011. *Politics*, Tarbiat Modares University (11).
3. Beyrami, Naser Rasol. 2007. *The Path of Civilization to the Path of Degeneration*. Behjat.
4. Complex of Approximation of Islamic Religions. 2017. *New Civilization According to the Supreme Leader, Main Page*.
5. Dehshiry, Mohammadreza. 1998. Theories of the Islamic Revolution from the Perspective of the Islamic Revolution. *Presence* (26).
6. Tansigh Sarzamin Consulting Group. 2018. *Technical Proposal of Land Management Plan*. State Planning and Budget Organization.
7. Hosseini, Seyed Hossein. 2014. *Methods of Analysis of Civilization Components*. Contemporary Wisdom Magazine 5 (2).
8. Imam Khomeini. *Sahife-ye Noor, 22 Volumes*. Imam Khomeini Publishing Institution
9. Islamic Parliament Research Centre of the Islamic Republic of Iran. 2014. *Collection of Regional Studies and Land Management in Iran 1, Meta-Analysis of Regional Inequality in Iran*.
10. Islamic Parliament Research Centre of the Islamic Republic of Iran. 2018. *Collection of Regional Studies and Land Management in Iran 4, Analysis of government performance in connection with the preparation of land management documents*.
11. Islamic Parliament Research Centre of the Islamic Republic of Iran, Economical Researches Department. 2019. *Collection of Regional Studies and Land Management in Iran 5, How to Deal with the Development of Land Management Document in the Current Situation*.
12. Jafarian, Rasool. 2016. *A Look at the Mongol Invasion of Iran and Iraq*, Khabar Online News Agency, June 6, 1995.
13. Jafarian, Rasool. 2006. *A look at the Periods of Islamic Civilization*, Tebyan Digital Library, Quoted from History and Geography Book of the Month, 107-108. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
14. Kazem Moghadam, Iman. 2017. *The Semantics of Civilization and its Impact on the Process of Civilization*.
15. Khosro panah, Abdolhosein. 2017. *The Intellectual System of Leadership*.
16. Malakootian, Moštafa. 2015. The Rise of Modern Islamic Civilization and the Decline of Western civilization, *In Proceedings of the National Conference of Modern Islamic Civilization, Shahed University*
17. Motahhari, Morteza. 1978. *The Future of the Islamic Revolution*.
18. Motahhari, Morteza. 1983. *The Reciprocal Services between Islam and Iran, Volume One*. Sadra
19. Ayatollah Khamenei, Supreme Leader. 2001. *Explaining the Process of Achieving the Goals of the Islamic Revolution to the Students and Academics of Kermanshah Province*, October 15.



**Managing Director:** vice chancellor for  
research-Iran University of Science and Technology

**Editor-in-chief:** Mohsen Feizi

**Administrative Director:**

Fatemeh Mehdizadeh Seraj

**Administrative assistant:**

AmirHosein Yousefi- Zahra Kashanidoust- Fatemeh Zare

**Persian literary Editor:** Sara Motevalli

**English literary Editor:** Mohammadreza Ataee Hamedani

#### Editorial Board Members:

**Seyyed Gholam Reza Eslami:** Associate Professor,  
Tehran University

**Hasan Bolkhari:** Associate Professor, Tehran University

**Mostafa Behzadfar:** Professor,

Iran University of Science and Technology

**Mohammad Reza Pourjafar:** Professor,

Tarbiat Modares University

**Mahdi Hamzeh Nejad:** Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

**Esmail Shieh:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Manoochehr Tabibian:** Professor, Tehran University

**Mohsen Faizi:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Hamid Majedi:** Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

**Asghar Mohammad Moradi:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Gholam Hossein Memariyan:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Fatemeh Mehdizadeh:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Mohammad Naghizade:** Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

**Ali Yaran:** Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

**Design assistant:** AmirHosein Yousefi

#### Reviewers for Volume8, Number28:

**Mehdi Khakzand:** Associate Professor, Iran University of  
Science and Technology

**Mehi Saedi :**Phd, Iran University of Science and Technology

**Ali asadpour:** Assistant Professor, Shiraz University of Art

**Samaneh Taqdir:** Assistant Professor, Iran University of Science  
and Technology

**Mino Qarabeiglou:** Associate Professor, Tabriz University of art

**Abdolhamid Noqrehkar:** Associate Professor Iran University of  
Science and Technology

**Mohammad Saleh Shokuhi Bidhendi:** Assistant Professor, Iran  
University of Science and Technology







▣ **An Interdisciplinary Analysis of the Conflicts of Apartment Housing Architecture with the Islamic Lifestyle Based on Islamic Narrative Teachings**

Mohammad Mannan Raeesi

▣ **Manifesting the Concept of Water in the Paradise of Quran and Persian Garden**

Azita Balali Oskoyi / Farnaz Nazarzadeh Ansaroudi / Elnaz Nazarzadeh Ansaroudi

▣ **Recognizing the Role of Idea and Concept in Understanding and Creation in Architecture Relying on the "Four Causes"**

Nasim Ashrafi / Ghazal Safdarian

▣ **Suggest solutions for the effectiveness of "Islamic teachings on architecture courses" Case Study: Architectural Design Basics Courses Based on the four approaches approved by the Transformation Council of the Supreme Council of the Cultural Revolution: (Islamization, localization, efficiency and updating)**

Salman Noghrehkar / Sedighe Moeinmehr

▣ **Spatial Measurement and Analysis of Urban Identity in The Districts of Hashtgerd New Town**

Ahmad Khalili / Mostafa Dehghani

▣ **Revising in the relationship of social behavior and urban space within Islamic Vision (the concept of ideal user and his territory in original Islamic texts)**

Masoud Nari Ghomi

▣ **Fundamental Dimensions of Islamic New Civilization in Compilation of Country Development Documentations with Emphasis on the Territorial Spatial Development Plan**

Alireza Andalib / Akbar Kazemzadeh